

دیدگاه - ۱

نویسنده

کاظم موسوی بجنوردی

ایران پس از برجام  
برنامه جامع اقدام مشترک

نگارخانه  
نشر نگاه معاصر

## فهرست

۵	مقدمه
۹	اهمیت برجام و افق‌های پس از آن
۱۹	مذاکره هسته‌ای الگویی برای حل مسائل کشور در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
۱۹	۱. وجود اراده‌ای واحد و هماهنگ در سطح حاکمیت و ملت
۲۰	۲. استفاده از خرد جمعی در رسیدن به توافق
۲۱	۳. همراهی، همفکری و مشورت دولت با مراجع تقلید
۲۲	۴. تبدیل شدن مسأله هسته‌ای به مسأله‌ای ملی و جلوگیری از موازی‌کاری در آن
۲۵	مدیریت هسته‌ای الگویی برای حل بحران مدیریت در ایران
۳۳	آنچه در سال‌های ۹۲-۱۳۸۴ بر ایران گذشت
۴۵	پیشنهادها
۴۵	الف. حوزه داخلی
۴۵	۱. تدوین یک دکترین مشخص اقتصادی
۴۶	۲. اجماع بر سرمفهوم توسعه به عنوان کلید نجات کشور
۵۱	۳. ضرورت بازتعریف مفاهیم انقلاب و انقلابی
۵۴	۴. ضرورت بازتعریف منافع ملی
۵۶	۵. کوشش برای استوار ساختن تحکیم انسجام اجتماعی
۵۸	۶. اجرای استراتژی فرصت‌های برابر برای اقلیت‌های دینی، اقوام و پیروان مذاهب
۵۹	۷. اجرای استراتژی اقدام مثبت در حوزه زنان
۶۰	۸. تدوین برجام فرهنگی یا برنامه جامع اقدام مشترک در زمینه فرهنگی
۶۳	۹. تقویت و توسعه دانایی و جلوگیری از گسترش جهل و خرافه

۱۰. تدریس درس اخلاق در مدارس، دانشگاه‌ها و رادیو و تلویزیون..... ۶۵
۱۱. تعدیل انتظارات مردم و دادن پاسخ مناسب به آن ..... ۶۷
۱۲. کاستن حجم دولت و کارآمد ساختن آن..... ۶۸
۱۳. اصلاح نظام بانکی، آماری و مالیاتی کشور..... ۷۰
۱۴. مبارزه با فساد..... ۷۱
- ب. حوزه خارجی..... ۷۲
۱. ایجاد روابط سیاسی با محوریت استراتژی موازنه مثبت..... ۷۳
۲. برقراری روابط اقتصادی با محوریت نیازها و ظرفیت‌های اقتصادی ایران..... ۸۲
۳. روابط فرهنگی و گردشگری با محوریت ایران فرهنگی..... ۹۱
- سخن آخر..... ۹۷
- نمایه..... ۱۰۳

مقدمه

«ایران پس از برجام»، «ایران پس از توافق» و «ایران پس از تحریم» مهم‌ترین اصطلاحاتی‌اند که برای توصیف دوره‌ای که پس از توافق ایران با ۱+۵ آغاز شده است، به کار می‌روند. شاید در طول چند ماه گذشته هیچ اصطلاحی به اندازه «برجام» در ادبیات سیاسی کشور به کار نرفته، و این امر خود نشان‌دهنده اهمیت بسیار زیاد این توافق نزد نخبگان و مردم است. همچنین، ایران پس از برجام، موضوع بحث‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های زیادی شده است و این پرسش که «در ایران پس از برجام چه باید کرد؟»، ذهن همه را به خود معطوف و مشغول کرده است و هرکس از ظن خود به آن پاسخی می‌دهد.

دوران کنونی، دوران گذار از عصر تحریم به دوره پس از تحریم، یا دوره انتقالی است و با توجه به ویژگی‌های دوره‌های گذار امکان بروز هر نوع بحرانی در آن وجود دارد. دوره پس از برجام، هرچند پایان یک دوره پرتنش است، اما آغاز مسیر پرسشگری هم هست. در دوره جدید، ایران با چالش‌های جدیدی روبه‌رو خواهد شد که باید ابعاد مختلف آنها را شناخت. دوره تحریم، دوره انزوای نسبی و ایران‌هراسی بود و دوره جدید، دوره خروج از انزوا و کسب اعتماد بین‌المللی است. ایران، اکنون در حال گذار از انزوا به اعتماد است و باید تلاش کرد که اعتماد به وجود آمده، تثبیت شود.

دلسوزان ایران، آگاه‌اند که مخالفان توافق در خارج از کشور - که صدها میلیون دلار برای ناکام گذاشتن آن، سرمایه‌گذاری کرده‌اند - پس از این، بی‌کار نخواهند نشست. همچنین کاسبان تحریم در داخل کشور که فرصت طلایی ثروت‌اندوزی سهل و بی‌دردسرا از دست داده‌اند، از هر ابزاری برای بی‌نتیجه گذاشتن توافق استفاده خواهند کرد و در صورت موفق نشدن در این زمینه، سعی می‌کنند تا مسیر توافق را در جهت سود خود و ضرر دولت تغییر دهند.

همچنین در این دوره، میراث بسیار ناگوار و سایه سنگین بسیاری از تصمیم‌های غیر علمی، شتاب‌زده و سیاسی دوره ۸ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، گریبان‌گیر دولت آقای روحانی خواهد بود؛ تصمیماتی مانند مسکن مهر، واگذاری سهام عدالت، توزیع یارانه‌ها، استخدام‌های هدفمند و بدهی‌های بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به بانک‌ها و سازمان تأمین اجتماعی، همچون تله‌های انفجاری و میدان‌های مین در مسیر آینده دولت قرار خواهند گرفت. دولت باید مواظب باشد که گروگان تصمیم‌گیری‌های اشتباه دولت قبل نشود.

دارون عجم‌اوغلو و جیمز رابینسن در کتاب چرا کشورها شکست می‌خورند، می‌نویسند: همه کشورهای که به توسعه رسیده‌اند، دارای چند ویژگی مشترک بوده‌اند که یکی از آنها استفاده از فرصت‌ها و بزنگاه‌های تاریخی برای توسعه است. به نظر می‌رسد که توافق هسته‌ای یکی از این فرصت‌های بزرگ با دامنه تأثیرگذاری بسیار بالاست. هر کشوری در طول تاریخش، به ندرت از چنین موقعیت‌هایی برخوردار می‌شود. باید دانست که فرصت‌ها مانند ابرهای بهاری می‌آیند و می‌روند و باید بدون فوت وقت از آنها استفاده کرد و اجازه فرصت‌سوزی نداد.

توافق، یک بزنگاه تاریخی و یک شانس و فرصت بزرگ برای توسعه ایران است. باید همه آنهایی که دغدغه توسعه و ترقی ایران را دارند، وارد میدان شوند و کوشش کنند که این فرصت بزرگ و تاریخی همانند فرصت‌های گذشته از دست نرود و به سرآغازی برای پیشرفت کشور تبدیل شود. متأسفانه رئیس دولت نهم و دهم و حامیان او سنگی را در چاه انداخته‌اند که بیرون آوردن آن نیازمند تلاش درازمدت همه عقلای مملکت است.

هرچند حصول این توافق بسیار مهم است، ولی نگهداری و صیانت از آن و اجرای خوب و کاملش، قطعاً مهم‌تر است. اینکه آیا توافق به نفع کشور ما، یا به ضرر آن تمام خواهد شد، به استراتژی و تاکتیک‌هایی بستگی دارد که مسئولان در دوره پس از توافق در پیش خواهند گرفت. آنچه به این توافق معنا خواهد داد، هدف ایران از اجرای آن است. باید گفت که توافق تنها گام نخست برای ساختن آینده ایران است. مسأله مهم‌تر، گام‌هایی است که پس از توافق برداشته می‌شود.

باید بر این نکته مهم تأکید کرد که توافق هسته‌ای با جهان، هرچند با تفکیک این موضوع از سایر بحران‌های منطقه‌ای حاصل شده است، ولی اجرای موفقیت‌آمیز آن در آینده، بدون جست‌وجوی راه حلی برای این بحران‌ها ممکن نخواهد بود. از سوی دیگر

هرچند این توافق در حوزه سیاست خارجی دولت بوده است، ولی ابعاد آن نمی‌تواند و نباید از مسائل داخلی تفکیک شود. چه بسا اگر برخی از مسائل حل نشوند، روند اجرای برجام با مشکل روبه‌رو گردد.

نیک، روشن است که برداشته شدن تحریم‌ها، عامل شتاب‌دهنده توسعه همه‌جانبه و پایدار ایران نیست، بلکه تنها مانع تخریب بیشترین کشور می‌شود و از بروز بحران‌های حادث و خطرناک تری مانند فرار مغزها و سرمایه‌ها، فروپاشی اجتماعی و آشوب‌ها و ناامنی‌های ناشی از تداوم تحریم جلوگیری می‌کند. در دوره کنونی، حتی اگر همه تحریم‌ها برداشته شوند، وضعیت اقتصادی کشور در بهترین حالت و با کوشش بسیار می‌تواند به شرایط ابتدای سال ۱۳۸۴ برگردد. بنابراین، تصمیم‌گیری برای کشور پس از لغو تحریم‌ها بسیار سخت و چالش‌برانگیز است.

در چنین شرایطی صاحب‌نظران و کنشگران اجتماعی باید برای کمک به دولت و شتاب دادن به آهنگ توسعه کشور وارد میدان شوند و دیدگاه‌ها و نظرات خود را درباره ایران پس از توافق بنویسند. مدیریت دوران پس از تحریم و تبدیل آن به یک موقعیت و فرصت جدید برای ایران، نیازمند هم‌اندیشی و همفکری نخبگان و اندیشمندان و درس‌پس‌دادگان ایران است. امروزه همه ما با هراندیشه و خواسته‌ای در یک کشتی نشسته‌ایم و باید با همه وجود تلاش کنیم که این کشتی را به سلامت از طوفان حوادث عبور دهیم و به ساحل مقصود برساییم. بردلسوزان کشور واجب است که هریک در حوزه تخصصی خود، تجربه‌ها و مشاوره‌های لازم را در اختیار مدیران قرار دهند. باشد که با استفاده از «خرد ملی» و «عقل جمعی»، ایران از این دوره‌گذار به سرعت و به سلامت عبور کند و دوره ترقی و شکوفایی را در جهت تحصیل توسعه آغاز نماید.

نگارنده بر این باور است که شایسته است دستداران ایران، الگوی نمونه‌ای را برای فردای ایران ارائه کنند. نبودن هیچ‌گونه چشم‌انداز آرمانی برای نسل جوان، به بهانه واقعیت‌گرایی سبب رخوت اجتماعی و تسلیم شدن به وضع موجود خواهد شد. متأسفانه در سال‌های اخیر بیشتر روشنفکران ایرانی، اعم از دینی و سکولار - چه در داخل و چه در خارج از کشور - به جای آنکه هم خود را براندیشه‌ورزی در مسائل اصلی و مشکلات بنیادین جامعه متمرکز کنند و به مصاف جهل و فقر بروند، مشغول نقد و تخریب یکدیگرند و صفحات نشریات روشنفکری و سایت‌های معتبر و بلندگوهای رسانه‌ای شان در خدمت تخریب‌های مکرر بر ضد هم قرار گرفته است و مخالفان هر دو طیف هم البته ماهی‌های